

زیر درختان زیتون

آثار عباس کیارستمی به‌شبهه «تفلیکس» می‌رود

● گروه هنر: کمپانی فرانسوی «mk2» با عقد قراردادی با نتفلیکس، حق نمایش نسخه ترمیم‌شده آثار منتخب بزرگان سینمای جهان از جمله عباس کیارستمی را در اختیار این کمپانی آمریکایی قرار می‌دهد. کمپانی «mk2» فرانسه که حق بیشتر آثار ساخته‌شده توسط عباس کیارستمی را در اختیار دارد، طی قرارداد جدیدی حق نمایش نسخه ترمیم‌شده آثار کیارستمی و چند کارگردان بزرگ دیگر را در اختیار کمپانی نتفلیکس قرار می‌دهد.

بر اساس این قرارداد که شامل حق نمایش ۵۰ فیلم بلند سینمایی است، در ابتدا آثار کلاسیک ساخته «فرانسوا تروفو» شامل «فانتهای ۴۵۱»، «۴۰۰ ضربه»، «زنی در همسایگی»، «بالاخره یکشنبه» و … در نتفلیکس عرضه می‌شود و در ادامه سال نیز نسخه ترمیم‌شده آثار دیگری از «چارلی چاپلین»، عباس کیارستمی، «باستر کیتون»، «آلن رنه»، «کریستوف کیس洛夫سکی» و … را نیز در وب‌سایت خود قرار می‌دهد. هنوز فهرست دقیق آثاری که سرویس اینترنتی نتفلیکس تحت این قرارداد به نمایش خواهد گذاشت مشخص نیست. نتفلیکس در سال‌های دورتر فیلم‌های کلاسیک متنوعی را عرضه می‌کرد، اما به تدریج بیشتر تمرکز خود را روی آثار جدید سینمای جهان قرار داد. کمپانی «mk2» فرانسه که توزیع نسخه ترمیم‌شده آثار کلاسیک سینمای جهان با کیفیت‌های 2K و 4K را برعهده دارد، هم‌اکنون ۲۰۰ اثر از بزرگان سینمای جهان را در کتابخانه خود دارد.

پرویز شهبازی هم به‌اکران آنلاین فیلمش راضی شد

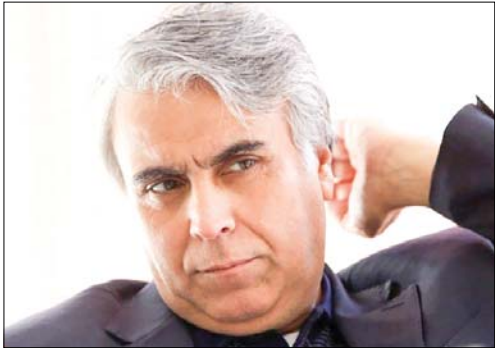
● گروه هنر: پس از اکران فیلم «خروج»، به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا به شکل اینترنتی، پرویز شهبازی، کارگردان فیلم «طلا» هم قصد دارد چنین مسیری را دنبال کند. به گزارش روابطعمومی فیلمو و با گذشت دو هفته از تجربه اکران آنلاین فیلم «خروج»، آخرین ساخته پرویز شهبازی به زودی راهی سینمای آنلاین می‌شود. این فیلم که «طلا» نام دارد و درامی اجتماعی به تهیه‌کنندگی مشترک رامبد جوان و محمد شایسته است، نامزدی دو سمیرخ بلورین جشنواره سسی‌وهفتم را در کارنامه دارد و از مسیر اکران آنلاین برای مخاطبان نمایش داده خواهد شد.

«طلا» که بازیگرانی مانند نگار جواهریان، هومن سیدی، طناز طباطبایی، هدی زین‌العابدین، احترام برومند و مهرداد صدیقیان در آن ایفای نقش می‌کنند، چهارشنبه، ۱۰ اردیبهشت از طریق اکران آنلاین در فیلمو و نماوا به نمایش درخواهد آمد.

در خلاصه داستان این درام اجتماعی آمده است: «راهی برای پولدارشدن، خسته از نگاه تحقیرآمیز دوروبری‌ها، احساس نیاپی از کارکردن برای دیگران؛ اینها دلالی است که سه نفر را به هم وصل کرد تا یک کاروکاسی راه بیندازند.» در سینه‌های آنلاین بلتین فروشنشی از طریق دو پلتفرم پخش آنلاین فیلمو و نماوا انجام می‌گیرد و کاربران می‌توانند در یک بازه زمانی شش‌ساعته فیلم خریداری‌شده را تماشا کنند. فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا با بیش از دو میلیارد فروش تاکنون اولین فیلم سینمایی آنلاین ایران نام گرفته است.

بامصوبه هیت دولت اجاره‌بهای فضاهای فرهنگی وهنری بخشیده شد

● گروه هنر: معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تازه‌ترین مصوبه دولت مبنی‌بر حمایت از اصحاب فرهنگ و هنر خبر داد و گفت: بر اساس مصوبه هیت وزیران در جلسه ۱۳۹۹/۲/۲۳ کلیه دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌های سراسر کشور مجازند نسبت به امحاء یا بخشودگی کامل اجاره‌بهای اماکن واگذارشده به بخش خصوصی در طول دوره تعطیلی مربوط به جلوگیری از انتشار ویروس کرونا با افزایش دوره بهره‌برداری حسب شرایط و چارچوب واگذاری اقدام کنند. به گزارش مرکز روابطعمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، لادن حیدری با بیان این مطلب افزود: «دوین سیاست‌های حمایتی از فعالان اقتصادی و کسب‌وکارهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای که در زمره پشنتاران اجرای محدودیت‌های ستاد بحران کرونا با توقف فعالیت‌هایشان قرار دارند، از نخستین روزهای بحران در دستور کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.» او ادامه داد: «در همین راستا و با پیگیری‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیت دولت، بخشودگی اجاره‌بهای فضاهای فرهنگی و هنری واگذارشده به بخش خصوصی را به تصویب رساند.»



این روزها خبرهایی که از «خانه سینما» به گوش می‌رسد، چندان خوشایند نیست! پاسخ‌گوبودن از یک سو و نامه‌نگاری‌هایی علیه هیت‌مدیره این خانه از سوی دیگر، گواه تشنجی است که ساختار خانه را فراگرفته و قطعا تبعات خوبی نخواهد داشت! اگر مهم‌ترین مشکل امروز جامعه ایران را شیوع ویروس «کرونا» بدانیم، قطعا جامعه اصناف سینمایی ایران که بخش عظیمی از فعالان سینما را تحت پوشش خود قرار داده، در این روزها در کنار مردم با چنین معضلی در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن است. با این نگاه یکی از فعالیت‌های قابل دفاع اصناف سینمایی، تشکیل «کارگروه کرونای خانه سینما» بود که دائم پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی را که به پروتکل‌های بهداشتی تمکین نمی‌کردند و همچنان روند تولید را ادامه می‌دادند، رصد می‌کرد و نتیجه این پیگیری‌ها، اطلاع‌رسانی به‌موقع و رسانه‌ای‌کردن خبرها باعث شد برخی از پروژه‌های سینمایی موظف به پاسخ‌گویی و توقف کار شوند؛ اما در نهایت ناباوری در اوایل این هفته با بیانیه‌ای مواجه شدیم که خبر از انحلال این کارگروه می‌داد. نکته مبهم و تاسف‌برانگیز در متن بیانیه دلیل این انحلال را ناهماهنگی در «هیت‌مدیره خانه سینما» نام برده بود که مخاطب را به «چرایی و به چه علت» بزرگ مواجه می‌کند.

کارگروه کرونای خانه سینما که با همت پنج تشکل سینمایی راه افتاده بود، آنها با نوشتن اطلاعیه‌ای عنوان کردند که برخی از اعضای هیت‌مدیره خانه سینما سعتی در دخالت و مداخلی کاری در برنامه‌های این کارگروه داشتند. در این متن آمده است: «همان‌طورکه اطلاع دارید کارگروه کرونای خانه سینما هم‌زمان با شروع بحران کرونا به پیشنهاد انجمن برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان و به‌عنوان نخستین کارگروه قبل از همه ستادها و کارگروه‌ها و نیز کارگروه کرونای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به شکلی مستقل با حضور چند صنف سینمایی آغاز به کار کرد. این کارگروه از همان ابتدا با رصدکردن پروژه‌ها به نحوی شایسته و ارتباطی تنگاتنگ پلی شد بین فیلم‌ها و مراجع تصمیم‌گیر و در این مدت کوتاه دستاوردهای صنفی و حقوقی بزرگی داشت، اما هم‌اکنون باید انحلال آن را اعلام کنیم. دلیل اصلی این تصمیم عدم هماهنگی هیت‌مدیره خانه سینما با کارگروه کرونای خانه سینما و مداخلی کاری است. تصور ما بر این است که متأسفانه این‌گونه حرکات غیرصنفی می‌تواند بیشتر در جهت شیوع ویروس کرونا باشد تا در حکم مقابله با آن؛ کارگروه کرونای خانه سینما یک حرکت خودجوش صنفی، مستقل از درون خانه سینماست که خوشبختانه در دایره خودی‌ها و معتمدین سازمان سینمایی نبوده و نیست و شاید به‌همین‌دلیل است که نتوانستند استقلال آن را تحمل کنند. لذا علی‌رغم عزم جدی و برنامه‌های دقیق این کارگروه برای ایام کرونا و پساکرونا و با وجود تمامی فشارها، سنگ‌اندازی‌ها، مداخلی‌کاری‌ها و… تا این لحظه با افتخار توانستیم در کارگروه کرونا از سلامت خانواده سینما حمایت و مراقبت کنیم و درحال حاضر چاره‌ای جز انحلال نداریم. ما همچنان بیکر مطالبات صنفی خود در این زمینه هستیم، ولی بدیهی است از این پس مسئولیت تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های حوزه کرونا بر عهده اعضای محترم هیت‌مدیره است.کانون کارگردانان سینمای ایران/ انجمن مدیران تولید سینمای ایران/ انجمن برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان سینما/ انجمن دستیاران فیلم‌بردار سینما/ انجمن جلوه‌های ویژه میدانی.» با خواندن متن این بیانیه سؤوال‌های متفاوتی به ذهن هر مخاطبی متبادر می‌شود که چرا در هیت‌مدیره خانه سینما ناهماهنگی وجود دارد؟ علت این اختلافات درون‌گروهی چیست؟ به چه دلیل خانه سینمایی فعلی به پریشکرت‌ترین نهاد صنفی هنری تبدیل شد است؟



روزگاری رئیس هیت‌مدیره این خانه زنده‌یاد سیفاله داد و مدیرعامل آن احمدرضا درویش بودند که با عملکرد آنها و هیت‌مدیره وقت به قوی‌ترین تشکل صنفی تبدیل شده بودند؛ اما چرا خانه سینما این‌گونه تضعیف شده که حتی صنف‌های مهم سینما با هیت‌مدیره آن زاویه پیدا کرده‌اند؟ و چرا…

رونق نامه‌نگاری‌ها

نامه‌نگاری سیدضیا هاشمی، رئیس هیت‌مدیره جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینما و محمدحسین فرحبخش خطاب به همایون اسعدیان، رئیس هیت‌مدیره خانه سینما، تداعی‌کننده روزهای قبل از تعطیلی خانه سینماس؛ تا به‌طوری‌که این نگرانی را دامن می‌زند که دوباره بحث تعطیلی این خانه در درازمدت به جریان بیفتد؛ چون هنوز اهرم‌های موضوعی برای غلتیدن در این روند فرسایشی وجود دارد و نمی‌دانیم چرا اطلاع‌رسانی‌ها از سوی «خانه سینما» شفاف نیست. ضمن اینکه شایعه استعفای منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما، به گوش می‌رسد؛ اما اطلاع‌رسانی رسمی دراین‌باره صورت نگرفته است!

داستان این نامه‌نگاری‌ها هم از گفت‌وگوی همایون اسعدیان با ایسنا

شروع شد که در آن گفت‌وگو به مسئله کارت هدیه (عیدی‌ها) اشاره کرده

بود. او درباره فرسایشی این «عیدی» و نیز تسهیلاتی که با ادامه‌داریبون

روزهای کرونایی در اختیار اعضای خانه سینما قرار می‌گیرد، توضیحاتی

ارائه کرد.

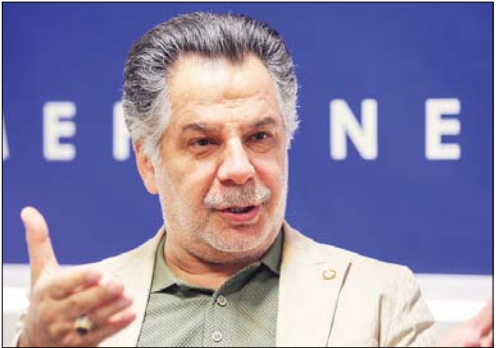
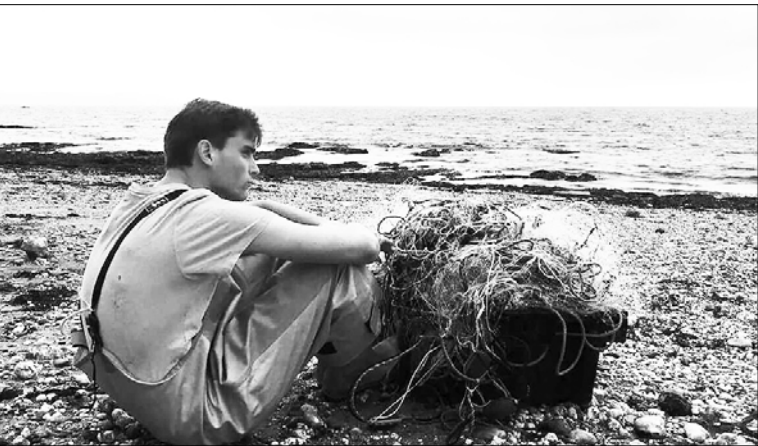
شاید به نظر برسد که چنین نکته‌ای مهم نباشد؛ اما نباید فراموش کنیم که مهم‌ترین وظیفه خانه سینما، فراهم‌آوردن مسائل صنفی – رفاهی است. در پی این گفت‌وگو، سیدضیا هاشمی جوابیه‌ای در اختیار ایسنا قرار داد که در اینجا بخشی از آن آمده است: «با نگاهی به کارنامه عملکردی مدیران خانه سینما درمی‌یابیم متأسفانه امور رفاهی و حمایتی اعضا طی این سال‌ها در زمره ضعیف‌ترین عملکرد مدیران خانه قرار گرفته است. این نتیجه مبین ناتوانی مدیران خانه سینما در جذب حمایت‌های مالی نبوده و اتفاقا در این بخش بسیار خوش درخشیده‌اند؛ اما سؤال اینجااست با این اقبال چرا ضعیف‌ترین عملکرد آنها بخش رفاهی اعضا بوده که از قضا مکررا مورد اعتراض اهالی سینما و رؤسای صنوف بوده است؟ آیا دلیل اصلی این نیست که آنها اساسا به مقوله رفاه عمومی و حمایت‌های مالی از اعضا باور نداشته و تکلیفی بر خود و خانه سینما متصور نیستند؟ کارنامه تصمیمات آنها، در دوراهی انتخاب هزینه برای تأمین مخارج برگزاری جشن‌ها و دورهمی‌های متعدد و یا در عوض توزیع بودجه آن بین اهالی سینما مبین کدام انتخاب است؟

در آن گذار که خانه سینما با قصور مدیران وقت و پیشین تعطیل شده بود، جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینما از تمام اعتبار و ظرفیت خود بهره جست و نهایتا موفق به جذب حمایت مالی و تسهیلات بی‌سابقه‌ای از دولت نهم گردید؛ آنچه تأمین شد اعم از عیدی، حمایت ویژه ماه مبارک رمضان و همچنین تسهیلات بی‌نظیر بیمه فاخر طلایی را با سیاست توزیع برابر و بدون تبعیض؛ باسوسه به دفعات بین همه اعضای صنوف و دست‌اندرکاران سینما توسط ذی‌حسابی، امور مالی نهاد ریاست‌جمهوری و نمایندگان بیمه ایران توزیع نمود و آن را افتخاری صنفی برآمده از رویکردی تکلیف‌مدارانه قلمداد می‌کند. درحالی‌که دریافتی‌های میلیاردی خانه سینما تحت حمایت همان دولت نهم (در قالب اسپانسر) مصرف هزینه برای جشن خانه سینما و امثالهم شد که از شکوه برگزاری توسط زنده‌یاد سیف‌اله داد متأسفانه به جشن تولدی برای بازیگری بی‌کسوت تبدیل شد.

نگاهی به فیلم «Bait» ساخته مارک جنکین

افسون ماهی لغزان و ماهیگیر عاشق

عصر دیجیتال قرار می‌دهد، جنکین در فیلم «طعمه» بُعد واقع‌گرای رئالیسم اجتماعی‌اش را بر زندگی آنچنان که هست بنا می‌کند نه چنان‌که باید باشد و به‌این‌ترتیب سینمایی ناب و شاعرانه می‌آفریند. این مفهوم که متأثر از جهان‌بینی تکین چخوفی است، در سینما هر تصویر شاعرانه‌ای را بر پایه ارزش‌های متضادش بنا می‌کند. دوربین با در کنارهم‌گذاشتن صلب و آزادی، جنگ و مرگ، زندگی را چنان‌که باید نشان می‌دهد و نیروی شاعرانگی زاده همین تضاد و تقابل است. در فیلم «طعمه» شاهد هم‌داستان‌شدن ونا و مارتین در قالب (طبقه کارگر) در مقابل لندن‌ها در قالب (طبقه سرمایه‌دار) هستیم و شکاف عمیقی که میان این دو طبقه وجود دارد با عصیان ریشه‌دار طبقه کارگر این‌بار به شکلی بدیع در قشر نوجوان جامعه ظهور می‌کند. به‌این‌ترتیب به همراه واقعه تراژیک یابانی که باز هم در میان نوجوانان فیلم و به میانجی عامل سرمایه‌داری



باید خاطرنشان کنیم مدیران خانه سینما در همین اندک توجه ظاهری به امور رفاهی، رویکرد جداسازی اعضا براساس وضعیت مالی را مبنا می‌دانند که این روش نه‌تنها مقرون به واقع نبوده که نتایج آن دارای ابهامات فراوانی نیز می‌باشد، تفکیک اعضا بر مبنای تمکن مالی به‌دلیل گمانه‌زنی‌بودن آنها، توهین آشکار به همکاران کم‌برخوردار و نادیده‌گرفتن همکارانی است که به نجابت صورت به سبلی نکه می‌دارند! که از قضا این عزیزان در این حرفه بسیار فراوان‌اند و به‌دلیل (در اغلب موارد) حاکمیت سلیقه و باند و دسته، همواره مورد بی‌مهری و ظلم قرار گرفته و می‌گیرند! نکته دیگر اینکه لفظ پرداخت و حمایت مالی تحت عنوان عیدی برخلاف نظر رئیس هیت‌مدیره خانه سینما، نه‌تنها لفظی اشتباهی و توهین‌آمیز نیست، بلکه عیدی‌دادن و گرفتن در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما اتفاقا امری بسیار پسندیده و اخلاقی است؛ در عوض آنچه توهین‌آمیز و اشتباهی است، قشر‌بندی و نگاه کارگری و از بالا به پایین به همکارانمان در صنوف سینمایی است که متأسفانه در همه شئون از هویت صنفی تا الخ تعمیم داده شده؛ به نظر می‌رسد اشتباهی نگاه بورژوازی طبقه ممتاز به طبقه کارگری است که در خانه سینما رسوخ کرده است و اشتباهات بسا مخالف‌خوانی و افکاری تماما در خلاف ماهیت صنف و کار صنفی متأسفانه به هدایت هیت‌مدیره خانه سینمایی قرار گرفته‌یک اقدامات ارزشمند یکی از صنوف خانه سینما در جذب تسهیلات از دولت را به‌جای تکریم، این چنین … بدون منطق نقد می‌کنید. معیشت هنرمندان نجیب این مرزوبوم همچون دیگر هم‌وطنانمان سال‌هاست دستخوش ناامنی و بی‌ثباتی است؛ اما آنها صورت به سبلی سرخ ننه نداشته‌اند که به منت چیزکی دریافت کنند، آن‌هم به دست مبارک شما! بر مرکب شده؛ از فوددالی صله و انعام که نمی‌دهید؛ از یک مبارک هم که کسر نشده؛ از محل بیت‌المالی است که همه در آن سهیم‌اند و شما صرفا امانت‌داریت تا در عادلانه‌ترین شکل و در کمترین زمان ممکن تقدیم آنها کنید.»

همچنین محمدحسین فرحبخش به رئیس هیت‌مدیره خانه سینما نامه‌ای نوشت. در بخشی از این نامه آمده است: «آقای اسعدیان! شما اگر اترابیم گرفته‌اید اما همه خوب یادشمار این پول را می‌پول یا در واقع عیدی (بک سال ۳۰۰ هزار تومان و یک سال ۶۰۰ هزار تومان) در دورانی که دلار هزارو ۲۰۰ تومان بود و خانه سینما به علت بی‌کفایتی امثال شما بسته شده بود و کسی نبود نگران معیشت اهالی سینما باشد، با همت و پیگیری جامعه صنفی تهیه‌کنندگان و توسط نمایندگان دفتر رئیس‌جمهور محترم وقت، با ارائه کارت ملی و ثبت کد‌های ملی به اعضای خانه سینما پرداخت شده و دیناری از آن در اختیار جامعه صنفی تهیه‌کنندگان قرار نگرفته که بخواهد در تقسیم آن دخالت کند. غیر از این هم در چند نوبت به مناسب‌هایی بن کالا به اعضای خانه سینما داده شد که باز هم مسئول تقسیم آن نمایندگان دفتر ریاست‌جمهوری بودند و به علت تعطیلی خانه سینما، جامعه صنفی تهیه‌کنندگان فقط زحمت پیگیری و اقامت مسئولین برای تخصیص این کمک‌ها را به عهده داشت که اسناد همه این موارد، حتی نام و امضای دوستان سرشناس شما که از دریافت همین مبالغ اندک عیدی هم نگذشتند، موجود است. جالب است که الان پرداخت عیدی را در شان سینماگران نمی‌دانید، ولی در آن دوران رفقای سرشناستان نفر اول دریافت عیدی بودند. حالا شما چه‌کاره‌ای که بگویی پرداخت عیدی در شان اهالی سینما هست یا نه؟ اگر خودتان عرضه نداشتد برای اعضای خانه سینما قدمی بردارید، با دروغ و فرافکنی اجر گذشتگان را ضایع نکنید.»

«شرقی» نظرات مخالفان و موافقان را این‌دیگه را در گزارشی مستقل منعکس کرده و منتظر پاسخ‌گویی خانه سینما خواهد ماند.

یادداشت

«ن» مثل نان، «خ» مثل خانه

● محمد هادی فر، مدیرمسئول خبرگزاری کردپرس:

به دنبال استقبال نسبی مخاطبان از سریال پایتخت که در آن به معرفی گوشه‌هایی از فرهنگ کهن مازنی‌ها پرداخته شد، اراده‌ای در صداسوسما برای پرداختن به دیگر اقلیم‌های فرهنگی ایران شکل گرفت. با انتخاب کرمانشاه به عنوان یکی از متنوع‌ترین استان‌های کشور به لحاظ فرهنگی، ساخت سریال «نون خ ۲» پس از یک اقبال کم‌فروغ در سری اول آن، در سال ۹۸ رقم خورد.

در ادبیات فولکلور متداول در میان جامعه گرُدی، کرمانشاه به عنوان بزرگ‌ترین شهر کردنشین معرفی شده است هرچند برخی انتقادهایی هم بر آن وارد کرده‌اند اما آنچه مسلم است اینکه صضای باطنی، مردمانی اصیل و آریایی و ایران‌دوست شناخته می‌شوند.

بر اساس بسیاری اسناد و شواهد، کرمانشاه جلوه‌گاهی از فرزند اصیل کردها در طول تاریخ بوده است. بر همین اساس هم فیلم‌نامه‌نویس سریال «نون خ ۲» درصدد معرفی بخشی از این فرهنگ اصیل کرمانشاهی و کردی برآمده و در کنار معرفی فرهنگ عامیانه در بی معرفی برخی جاذبه‌های گردشگری و نمایش محصولاتنی مانند انار معروف هورامانات در قالب جشن‌های سنتی و بومی منطقه‌ای بوده که از جلوه‌های زیبای این سریال جندقسمتی بود.

جدا از ضعف‌ها و قوت‌های فنی این سریال، پرداختن به روحیه صداقت و صفای باطنی بخشی از ساکنان اصلی ایران‌زمین بسیار ستودنی است. اگرچه فرهنگ کردها و به‌ویژه مردم کرمانشاه برای دیگر ایرانیان تا حدود زیادی شناخته‌شده است اما تولید این سریال طنز در راستای بازخوانی جایگاه کردها در فرهنگ ایران‌زمین شروع خوبی محسوب می‌شود. البته بدیهی است که این مجموعه معرف ابعاد بسیار متنوع شخصیت فرهنگی و اجتماعی کردها به عنوان ایرانیان اصیل نیست.

در کنار این طنز نر لینخنه‌آفرین، در جامعه کردی آلام زیادی از جمله قصه برعصه کولبری وجود دارد که روایت آن اشک هر انسانی را سرازیر می‌کند اما کردها با امید و شادی زاده شده‌اند. این هنر والای کردهاست که از دل غم‌ها و دشواری‌ها، شادی بیافریند و با صوری و اراده‌ای پولادین و پشتکاری ستودنی از دشواری‌های سرتنگ، گذر کنند و هیچ‌گاه فردی پیش‌روا و تیره و تار نباشند.

نقد از بدیهیات یک پدیده فرهنگی است و هیچ پدیده فرهنگی را نمی‌توان از آن میرا دانست. در این مدت نیز نقدهای بسیار خوبی در مورد این سریال در فضای رسانه‌ای منتشر شده است. با این حال اظهارات برخی از صاحب‌نظران را برخی برداشتان مبنی بر نمایش فرهنگ لودی‌گر در این سریال نمی‌تواند سخنی درست باشد. قرار نیست تلاش مختصر یک مجموعه تلویزیونی، تمامی ابعاد تاریخ و فرهنگ و تمدن یک قوم را به تصویر بکشد.

نه اسب‌های مست آیینه تمام‌نمای وضعیت معیشتی کردهاست و نه «نون خ» ناواخانه شادی کردهاست بلکه هر دریچه و زاویه دیدی می‌تواند خود روایتگر جلوه‌ای از فرهنگ هزارزکن این مرزوبوم و دره‌های اجتماعی آن باشد و هرکدام از این نگاه‌ها در جای خود قابل تقدیر است. نون خ ۲ با همه کاستی‌هایش به‌خوبی توانست با فرهنگ زیبای کردها، در این روزگار سخت کرونایی، لحظاتی دل‌مردم ایران را شاد کند و این کاری ارزشمند بود.

چه بسا که دیگر اقوام این سرزمین هم درصدد معرفی فرهنگ خود از طریق شبکه ملی با کونه‌های زیبای آداب و سنن خود برآیند. به عنوان نمونه سریال «باجنقلاز» که نوعی روابط عاطفی بین خانواده‌های آذری را به تصویر کشید، هیچ‌وقت نه نقد مخرانه‌ای علیه‌این شکل گرفت و نه کسی آن را نامه همه فرهنگ و روابط خانوادگی هموطنان آذری تلقی کرد. بلکه هرکدام از این تلاش‌ها می‌تواند سکانسی از زندگی آمیخته با درد، رنج، شادی، سرور و غرور هر منطقه‌ای باشد.

قرار نیست هر سکانسی از نون خ ۲ معرف کامل تمامی فرهنگ آن جامعه باشد. چه بسا تلاشی دیگر در معرفی بخش‌های دیگری از این سرزمین فرهنگی متنوع کردها بتواند جوابگوی بعضی از نقدهای وارده بر این سریال و کاستی‌های آن باشد.

فراموش نکنیم نگاه توده مردم به مسائل فرهنگی با توجه به برخورد نزدیکی و ملموس همه مردم با مسائل فرهنگی جامعه کردی، نگاه آنان به واقعیت نزدیک‌تر است و جامعه نخبگان نیز در چنین مواقعی باید نگاهی واقعی و نزدیک به فهم و استنباط توده داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد توده مردم مناطق کردنشین از این سریال نرنجیده‌اند. متضاف بر اینکه دیگر ساکنان سرزمین ایران هم تا حدودی صفا و صمیمیت کردها و به‌ویژه مردم کرمانشاه را که در یک قالب خودمانی و طنز به نمایش گذاشته شد، پسندیده و از آن لذت برده‌اند.

در بعد گردشگری نیز باید منتظر روزهای پس از مرگ کرونا بود تا نتایج این معرفی رسانه‌ای را در افزایش حجم گردشگری کردنشینان استان‌های کردنشین خصوصا منطقه هورامانات مشاهده کرد. علاوه بر این اهمیت این سریال را می‌توان در کنار فرایگردن فرهنگ بوم‌گردی در مناطق روستایی کرمانشاه رصد کرد و انتظار می‌رود چنین تلاش‌های فرهنگی‌ای، دستاوردهای معیشتی نیز برای مردم به ارمغان آورد.